

ادامه از صفحه اول

تقد تحلیل مشاور فرهنگی «کیهان» ازکیهان تا کیان

دسته اول قاعده‌تا اصولگرایان هستند و دسته دوم اصلاح‌طلبان. طبق این تحلیل مردم برای دستیابی به طلب‌های مدنی خود از دولت به سمت اصلاح‌طلبان می‌روند و برای دستیابی به طلب‌های سیاسی خود، به اصولگرایان روی می‌آورند. این تئوری در ظاهر و روی کاغذ درست است، اما در نشان‌دادن معنا و مصادیق وجودی این دو گروه، کار گیر اساسی پیدا می‌کند.

مثلا دولت احمدی‌نژاد شرکت سهامی بزرگی بود که منافع آن بین برخی وزرا، اعضای مجلس و حامیان نزدیک، تقسیم می‌شد و به‌همین‌دلیل بعد از پایان شش سال دوره او به‌گفته وزیر اقتصاد،بدهکاری به ارزش‌رسیده از دولت سابق بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان است. این رئیس‌جمهور و دولت‌ش را، که روزنامه کیهان از حامیان جدی آن بود، چگونه می‌توان با دولت اصلاحات یکی دانست و تنها کاربرد آنها در متفاوت ارزیابی کرد و گفت دولت اصلاحات آمده‌ تا منتقدان و مخالفان را جذب و هضم کند، پس پلیس خوب است و برخی نیز پلیس بد. اما درنهایت پلیس، پلیس است. این‌س قیاس نه‌تنها دور از انصاف است، در ذهن مردم شبیهه نیز ایجاد می‌کند و این باور رایج را دامن می‌زند که همه جریان‌های سیاسی دستشان در یک کاسه

است. یکسان‌نگاری جریان‌های سیاسی باورپذیر نیست و چه خوب که کسی از باور نمی‌کند. اگر مردم این حرف‌ها را باور کنند، دیگر در انتخابات کنگوگان با این حجم حضور مواجه نخواهیم بود. در تحلیل شایانفر نا نکته‌ای درست وجود دارد، اینکه گروهی از اصولگرایان هستند که گویا «اعتمادنامه‌ای» در جیب دارند اما اصلاح‌طلبان صاحب اعتمادنامه بسیار اندک‌اند. در اینجا تفاوت آن‌ها شکل می‌گیرد. تفاوتی که برنامه‌ریزی‌شده نیست، بلکه پیام ناخواسته این اعتمادنامه‌ها است. اگر اصلاح‌طلبان توانسته‌اند با گفت‌مان اصلاح‌طلبانه و تاکید بر امر اجتماعی در بین لایه‌های مختلف مردم جا باز کنند، دلیل آن نیست که نمی‌توانسته‌اند اعتماد نهاده‌ای رسمی را جلب کنند. آنها تلاش می‌کنند تا اندیشه‌های موجود در پس از این‌رو تلاش می‌کنند تا اندیشه‌های موجود در پس پشتت کردارهای سیاسی را نقد کنند. اگرچه آنها در این‌ راه چندان موفق نبوده‌اند اما همین‌قدر تلاش هم برای آن‌ها هزینه داشته است. اصولگرایان اما تمام تلاش‌شان جلب اعتماد و قوام‌بخشیدن به اندیشه‌هایی است که کردارهای حکومتی را شکل می‌دهند. بی‌توجه حضور منتقدانه اصلاح‌طلبان به نفع نظام است و تقلیل این حضور به پلیس خوب، نه برای نظام مفید است و نه برای اصولگرایان. تشبیه طیف‌بندی نیروهای سیاسی داخل نظام به یساری «پلیس بد و پلیس خوب» ناشی از مسلم‌نگاشتن مفروضاتی است که براننده آرمان‌های انقلاب ۵۷ نیست. البته در میان اصلاح‌طلبان آن‌قدر تضارب آرا وجود دارد که نمی‌توان آنها را در جناحی منسجم دسته‌بندی کرد و نام پلیس خوب روی آنها گذاشت. شاید بالندگی اصلاحات نیز به همین دلیل باشد.

رئیس یا سخنگو

پیش از آن شرایط سیاسی به گونه‌ای بود که جایگاه منتخب نخست‌ یانختد، در توافق ناوخته به عنوان زعیم پارلمان تثبیت شده بود. مجلس ششم اما از دل شرایط و بافت سیاسی یک‌سره متفاوت داده شد. از دل همین شرایط و پس‌زمینه ویژه سیاسی بود که برادر رئیس‌جمهوری وقت که به عنوان منتخب نخست یانختد و دبیرکل حزب اکثریت به مجلس راه یافته بود- با وجود انتظار افکار عمومی - از نشستن بر کرسی ریاست صرف‌نظر کرد و این جایگاه را به یک چهره روحانی سپرد.

نگاهی به منتخبان مجلس ششم، این حقیقت را روشن می‌کند که این مجلس - به استثنای مجلس اول- حزبی‌ترین‌مجلس تاریخ پس از انقلاب بوده است. باین‌همه منتخبان این‌مجلس که پیش از همه مجالس پلیس و پس از خود به برخورداری از سبقه اصلاح‌طلبی شهره بودند تا درک شرایط ویژه کنشایش آن، برای رهیز از برانگیخته‌شدن حساسیت‌ها و شکسته‌شدن انسجام درونی «جبهه اصلاحات»، کرسی ریاست را به چهره‌ای سپردند که جناح مقابل در آن زمان نسبت به او کمترین «آلرژی» سیاسی را داشت.

شازده سال بعد، مجلس دهم در حالی در آستانه گشایش است‌ که اصلاح‌طلبان پس از سه دوره غیبت، بار دیگر به وزنه‌ای غیرقابل چشم‌پوشی در نهاد قانون‌گذاری تبدیل شده‌اند. این وزن سیاسی البته از دل یک نگاه «جبهه‌ای» و سزا و کاری مبتنی بر هم‌کاری با هواداران دولت و اصولگرایان میانه‌رو حاصل شده‌است. نگاهی که ریشه در انتخابات سرونوش‌شده خرداد ۹۲ دارد و باید‌تا انتخابات ۹۶ امتداد پیدا کند.

در تحلیل نهایی، انتخابات و تغییر ترکیب مجلس دهم، صفت‌بندی و شکاف‌های موجود در انتخابات، ۹۲ درگروگن نکرده است؛ بنابراین اولویت سیاسی اصلاح‌طلبان برای تصمیم‌گیری درمورد ریاست مجلس آتیته، همان اولویت‌هایی است که براساس آن به تصمیم‌گیری شانجانه منتهی به رخداد خرداد ۹۲ رسیدند.

در صورت به فراموشی سپرده‌شدن این اولویت‌هاست که می‌توان «رئیس» پارلمان آتیته ایران را به جایگاه عرفی آن در جهان که همان «سخنگویی» جناح اکثریت است نزدیک کرد.

نیروی کار به خارج از کشور اعزام می‌شود

وزارت کار، مسئول ارکستراسیون اشتغال کشور است

شرق: تعداد بالای جمعیت جوان در ایران در کنار رکود اقتصادی، معضل بی‌کاری را در کشور بیش‌ازپیش بفرع کرده است. این مسئله زمانی حادتر می‌شود که با ایجاد اشتغال و در مقابل افزایش نرخ مشارکت، تغییر محسوسی در نرخ بی‌کاری ایجاد نمی‌شود. برهمین‌اساس پیچیدگی ایجاد شغل‌های جدید در رکود جدی اقتصادی و خنثی‌شدن اشتغال با افزایش نرخ مشارکت، کار دولت را سخت‌تر می‌کند؛ اما با تمامی این شرایط، در ادامه دستور ویژه رئیس دولت یازدهم برای تکرریمی‌کردن نرخ بی‌کاری، دولت به دنبال نقشه راهی است که بتواند از پس این موانع جدی برآید. آن‌گونه که عیسی منصور، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی می‌گوید، این وزارتخانه

نقش ارکستراسیون را در اشتغال کشور بر عهده دارد و باید هماهنگی‌های لازم را در این زمینه انجام دهد. منصوری ضمن تشریح برنامه‌های دولت یازدهم در راستای کاهش نرخ بی‌کاری، از اعزام نیروی کار به خارج از کشور خبر داد. به گفته او، این اقدام با مهاجرت برای کار، متفاوت است و می‌تواند بخشی از تولید ناخالص داخلی کشور باشد.

۴ تجربه سال‌های ۸۴ تا ۹۲ نشان داده که پایین بودن نسبی نرخ بیکاری به دلیل کاهش نرخ مشارکت اقتصادی بوده، یعنی از نرخ مشارکت حدود ۴۱درصدی، گاه به نرخ ۳۷درصدی هم رسیده‌ام. فکر نکنم رویکرد دولت دلبیروامید هم این باشد که نگذار جمعیت فعال بالا برود، چون یکی از اختفارات دولت همین است که فضای امید را ایجاد کرده و نرخ مشارکت را بالا برده است. مسئله اینجاست که افزایش جمعیت فعال هم طبیعتا نرخ بیکاری را بالا می‌رد.

همین‌طور است. نرخ بیکاری در سال ۹۴ برابر ۱۱درصد شد که نسبت به نرخ بیکاری ۰۶-۱۰درصدی سال ۹۳ بالاتر بود و دلیل آن همین موضوع بود که نرخ مشارکت یک درصد افزایش یافت. البته این جزء برنامه‌ریزی‌های دولت است. هر چقدر اشتغال ایجاد کنیم، در مقابل اگر نرخ مشارکت بالاتر برود، تغییر محسوسی در نرخ بی‌کاری ایجاد نمی‌شود. فرایع از اینکه چه دولتی اکنون سر کار هست و با رهیز از اینکه مشکلات موجود را گردن دولت خاصی بیندازیم، باید به چند نکته پایه‌ای‌تر اشاره کرد. اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم، این است که ما برای ایجاد اشتغال نیازمند ورود به دوره جدیدی از سیاست‌گذاری هستیم. در دوره قبل از انقلاب، پیش از دهه‌های ۴۰و۵۰، اقتصادمان مبتنی بر تجارت بود. از جایی به بعد، عده‌ای از سیاست‌گذاران نخبه کشور کمک کردند تا صنعت در کشور شکل بگیرد. دهه‌های ۵۰و۶۰ دوره شکل‌گیری صنعت بود و بعد از انقلاب هم تا حدی این روند ادامه پیدا کرده است، به‌ویژه بعد از جنگ. در دهه‌های ۵۰و۶۰، برخی از صنایع مانند ذوب‌آهن و ماشین‌سازی در کشور شکل گرفتند. در کنار اینها نهادهایی نیز در کشور شکل می‌گیرند. برای مثال سازمان برنامه و بودجه، سازمان مدیریت صنعتی یا سازمان کنترش و نوسازی (ایدرو) و… از این جمله‌اند. یعنی صنعت در کشور شکل گرفت و برای اینکه صنعت شکل بگیرد آن نهاده‌ها شکل گرفتند و قاعده قانون‌گذاری مربوط‌گذاری در کشور هم شکل گرفت. اما وقتی می‌کنیم، می‌بینیم کشورهای دیگر بعد از این دوره وارد موج‌های دیگری هم شده‌اند؛ موج‌های کارآفرینی، که فرض آن بر این است که همراه با نوآوری و خلق ارزش، بتوان مشتری جلب کرد. مزیت این دوره فقط داشتن صنعت تبره نیست، درحالی‌که این قاعده در کشور ما بیش از افتاده و هنوز هم دنبال می‌شود. فکر می‌کنیم اگر قرار است کار صنعتی بکنیم، باید برویم کارخانه بزرگی را در این منطقه ایجاد کنیم، شهرک‌های صنعتی را باید گسترش بدهیم و بحث‌هایی از این دست. قاعده کارآفرینی، نوآوری، دانش‌بنیان و… می‌گوید به‌گونه‌ای کار کنید که به‌عنوان مثال در حوزه گردشگری، مشتری که در آن سوی دنیا یک فرصت یک‌ماهه یا دوهفته‌ای برای تفریح‌کردن دارد، به جای اینکه کشور دیگری را انتخاب کند، به دلیل اینکه کشور شما یک منطقه خاصی است و یک مزیت خاصی دارد، کشور شما را انتخاب کند و درآمذش را اینجا خرج کند. این نیازمند خلق ارزش، نوآوری، خلاقیت و ایجاد مزیت‌های منحصربه‌فرد است. نکته دیگر اینکه براساس ارزیابی‌های بین‌المللی، تمایل به کارآفرینی در آحاد مردم ما بالاست. رتبه ما در این زمینه خوب است، اما کارآفرینی ریسک‌پذیر و اقدام به ریسک‌پذیری در آغاز یک کسب‌وکار است.

۴ دلیل خاصی دارد؟

اصولا کارآفرینی از طریق نگاه‌های خرد، کوچک و متوسط شکل می‌گیرد. کارآفرین، به یکباره و از صفر، نمی‌تواند یک کارخانه بزرگ تأسیس کند. کارآفرین از گام‌های کوچک شروع می‌کند، رشد می‌کند و بالا می‌رود. آنکه یک دفعه کارخانه بزرگ می‌زند، دولت است. می‌خواهم بگویم یکی از دلایل اصلی که در حوزه اشتغال ما مسئله و مشکل داریم این است که

اقتصاد

سیاست‌های اشتغالی دولت یازدهم در گفت وگویی «شرق» با معاون وزیر کار:

نیروی کار به خارج از کشور اعزام می‌شود

وزارت کار، مسئول ارکستراسیون اشتغال کشور است



عیسی منصور، معاون توسعه تولید و اشتغال

۴ همان ادعای همیشگی هریک در صد رشد اقتصادی برابر ۱۰۰ هزار فرصت شغلی؟

در عمل لزوما این‌گونه نیست. این یک محاسبه بود که در دنیا اتفاق افتاده اما هم‌زمان در سال‌های پس از ۲۰۰۰ و بنا بر تجربه دنیا، این قاعده که اگر رشد اقتصادی اتفاق بیفتد اشتغال هم مسئله‌اش حل می‌شود، زیر سؤال رفت. آن نگاه قبلی مبتنی بود بر تئون وودزی آمریکا و بانک جهانی هم خیلی از آن حمایت می‌کرده و اصطلاحا به آن اجماع واشنگتنی می‌گویند. آن نگاه مبتنی بر این بود که اگر شما رشد و آزادسازی اقتصادی داشته باشید و مالیات، بدهسی و بحث‌های پولی، مالی و تجارت خارجی را مدیریت کنید، خودبه‌خود مسائلی مثل اشتغال هم حل می‌شود و کاهش فقر هم اتفاق می‌افتد. اما در دهه ۲۰۰۰ عملا اغلب سازمان‌های بین‌المللی که پروژه‌های توسعه اقتصادی را در دنیا اداره می‌کنند و حتی بانک جهانی، این نگاه را زیر سؤال برده‌اند. نگاه جدید این است که حتی اگر رشد اقتصادی اتفاق بیفتد، به این معنی نیست که مسئله اشتغال حل می‌شود یا کاهش فقر اتفاق می‌افتد.

۴ راه‌حل پیشنهادی این نگاه جدید چیست؟

راه‌حلی که پیشنهاد می‌شود این است که شما اصطلاحا رشد فراگیر را دنبال کنید. تعبیر دیگر رشد فراگیر، رشد اشتغال‌زای صدققر یا رشد درون‌زاست. راهکارش این است که وقتی شما یک دایره سیاست‌گذاری در سطح ملی می‌کنید، سراخ رشته‌هایی از کسب‌وکار بروید که علاوه بر ایجاد ارزش افزوده، ظرفیت بالای اشتغال را دارند. وقتی اشتغال ایجاد شود، فقر هم همراه‌اش از بین می‌رود. بنابراین توصیه این است که به جای تمرکزکردن بر سیاست‌های پولی، مالی، تجارت خارجی، نرخ ارز و… به بخش واقعی اقتصاد کشور هم وارد شوید. بخش واقعی اقتصاد را چه مولدای تشکیل می‌دهد؟ اصطلاحا به آن می‌گوییم صنعت، ولی منظور ما کشاورزی، گردشگری و همه رشته‌هاست و فقط کارخانه نیست.

۴ یعنی هر چیزی که تولید داشته باشد.

درواقع نباید فقط به مؤلفه‌های اصلی اقتصاد کلان بسنده کنیم. در کنار آن باید سراغ بخش واقعی اقتصاد برویم. وقتی هم راجع به بخش واقعی اقتصاد صحبت می‌کنیم، به رشته‌فعالیت‌هایی که بیشترین ظرفیت اشتغال را ضمن رشد اقتصادی پوشش می‌دهند، توجه کنید. نگاه کنیم چه رشته‌هایی بیشترین ظرفیت را برای اشتغال دارند که هم رشد ایجاد می‌کنند و هم اشتغال. لایه بعد این است که ما نمی‌توانیم یک نسخه فراگیر برای تمام بخش‌ها بنویسیم. باید منطقه‌بندی کنیم. منطقه هم لزوما جغرافیایی سیاسی یک استاندارد نیست. مثلا منطقه غرب و شرق سمنان با هم فرق می‌کند. به همین ترتیب سسه منطقه اقتصادی که هم‌جنس هستند، تقسیم کنیم. پس یک نسخه فراگیر نمی‌توانیم بنویسیم. شاید بگویید در کشور ما برخی دستگاه‌ها و به‌ویژه نهادهای عمومی همین کار را می‌کنند. صراحتا می‌گویم اغلب دستگاه‌ها و نهادهای عمومی با مدل‌ها و روش‌های مداخله برای توانمندسازی اقتصادی و توسعه آشنا نیستند. به همین دلیل هم بلافاصله سراخ استفاده از ابزار وام می‌روند.

۴ اما تا پایان سال ۱۳۹۶، دو سال بیشتر وقت نداریم.

کاری که ما ت حالا انجام دادیم این بوده که یک مطالعه انجام داده‌ایم با همین قاعده‌ای که به آن اشاره کردیم. در سطح کشور، هم سطح ملی را مطالعه کرده‌ایم و هم سطح استانی و منطقه‌ای را. درواقع ما شش استان را به‌عنوان استان پایلوت انتخاب کردیم. در این استان‌ها استخراج کردیم که مزیت اصلی استان با محور فعالیت استان چیست و بعد ۲۰ درصد رشته

اقتصاد

سال سیزدهم • شماره ۲۵۷۱ • روزانه

پورس هفته

تأثیر منفی ورود نقدینگی به تالار شیشه‌ای

لیدر بازار تغییر کرد

مهران کاویانی‌جوپاری - کارشناس بازارهای مالی

• شاخص بازار سرمایه در هفته‌ای که گذشت با خودرودرودهای مختلفی همراه بود و درنهایت با ۰٫۱۷ درصد کاهش به مقدار ۷۸هزار و ۲۶۹ واحد رسید. بعد از نکات مثبتی که در شرکت‌های صنعت خودروسازی، سرمایه‌گذاری‌های این حوزه، افزایش سرمایه آنها و قراردادهای این شرکت‌ها با خارجی‌ها، به گوش می‌رسید، ناگهان اخبار منفی‌شدن واگذاری و عدم توافق نهایی آنها با شرکت‌های خارجی، این گروه را با کاهش شدید قیمتی همراه کرد و به‌نتیج آن با توجه به اینکه جهت‌دهی شاخص برعهده این گروه بود، منجر به کاهش شاخص شدند. صنعت فلزات اساسی و فولاد با جهش قابل‌توجه قیمت‌های جهانی همراه بودند و شاهد واکنش مثبت اهالی بازار در معاملات این گروه بودیم. خبر تصویب کاهش بهره مالکانه پرداختی برای گروه‌های معدنی و واگذاری معدن (گرچه تا سال ۹۶ اثر سود و زیانی بر شرکت نخواهد داشت) در این بخش از اقتصاد، منجر به اثر مثبت این گروه بر شاخص شد. با توجه به تغییرات دو صنعت، شاهد جابه‌جایی لیدر بازار از صنعت خودرو به صنعت فلزات اساسی بودیم. مهم‌ترین خبری که بازار در صنعت بانکداری منظر آن است درخصوص قطعی‌شدن یبوستن این گروه به شبکه بین‌بانکی سویفت‌است که به دلیل نبود خبر موق در این حوزه، شاهد درجازدن نمادهای این بخش در هفته گذشته بودیم. از دیگر خیرهای مهمی که باعث برهم‌خوردن روند بهبود شاخص شد، خبر عدم پرداخت مالیع بلوکه‌شده مربوط به تحریم‌ها و ورود نقدینگی به صنایع بوده است که تأثیر منفی قابل‌توجهی بر شاخص در روزهای ابتدایی هفته داشت. قیمت محصولات صنعت پتروشیمی و پالایشگاهی در بازارهای جهانی در دوره‌ای کوتاه‌مدت با کاهش همراه بوده است و این امر در محصولات اولیه، آمونیاک و متانول که از اصلی‌ترین محصولات تولید شرکت‌های داخلی هستند، تأثیر مستقیم داشت. عملیات شرکت‌های این صنایع خواهد داشت. از سوی دیگر در بودجه دولت رشد دلاری قابل‌توجهی را شاهد نبوده‌ایم و نرخ خوراک پتروشیمی‌ها گرچه با توجه به تصمیمات اتخاذشده به رقمی نزدیک به مقدار قبلی خود برگشته است، اما با توجه به کاهش شاخص قیمتی محصولات پتروشیمی، عاملی بنیادی که بتواند بهبودی در وضعیت این گروه را ایجاد کند، نخواهد بود. درحال‌حاضر در تالار شیشه‌ای شاهد خیر افزایش سرمایه در شرکت‌ها هستیم که با توجه به افسانه‌ی که در مباحث مالیاتی این بخش صورت پذیرفت، افزایش سرمایه‌ها می‌تواند یکی از محرک‌های بازار سرمایه در روزهای معاملاتی آتی و دوره کوتاه‌مدت به‌شمار آید.

عنوان شاخص	ارديبهشت ۱۳۹۵	ارديبهشت ۱۳۹۵	تغییر
کل	۷۸۲۶۹	۷۸۴۰۴۷	۱۳۵۷
شاخص قیمت	۲۹۵۴۲۶	۲۹۵۹۳۴	۵۰۸
شاخص کل (مهره)	۱۳۴۶۱۷	۱۳۴۸۶۶	۲۶۴۹
شاخص قیمت (مهره)	۱۱۳۳۰۸	۱۱۴۵۲	۲۲۱۰۲
آزادشاور	۸۷۲۲۷۹	۸۷۹۷۹۰۱	۷۵۱۰۲
۵۰ شرکت بزرگ	۳۱۵۵۹	۳۱۵۵۱	-۸

طلا و ارز

ژاین بازار طلا را شوکه کرد

• شرق: طلا به رکورد بی‌سابقه‌ای رسید که تا هفت سال گذشته به آن نرسیده بود. درواقع بعد از آنکه طلا تا هزار و ۲۸۰ دلار رسید که در هفت سال گذشته بی‌سابقه بود. بانک مرکزی زاین برگزار شد قیمت هر اونس پنجشنبه خود تصمیم گرفت تا سیاست‌های پولی خود را بدون تغییر حفظ کند. این مسئله موجب شکستی بازارهای بین‌المللی شد. پس از اعلام نتایج نشست بانک مرکزی ژاپن، ارزش یورو و دلار در برابر بر با بیشترین کاهش در پنج سال گذشته روبه‌رو شده و این مسئله تأثیر زیادی بر افزایش چشمگیر قیمت طلا و نقره داشته است. ارزش بر ژاپن دیروز جمعه به بالاترین سطح در برابر دلار در ۱۸ ماه اخیر رسیده است. ارزش دلار در برابر سبدي از ارزهای معتبر بین‌المللی ۰۴ درصد کاهش داشته است. فدرال رزرو آمریکا هم در پایان نشست پنجشنبه خود تصمیم گرفت تا نرخ بهره را بدون تغییر حفظ کند. سرمایه‌گذاران بین‌المللی بر این باورند که کاهش ارزش دلار در برابر یورو موجب افزایش بیشتر قیمت طلا خواهد شد.

ارز	قیمت(مهره)	تغییر
دلار آمریکا	۳۳۷۰	+۲
یورو	۳۹۴۵	+۱۸
پوند	۵۵۷۰	+۱۰
درهم	۹۴۸	-۲
طلا و سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۱۰۳۰۵۰۰	+۵۰۰
طرح قدیم	۱۰۲۹۰۰۰	-
نیم	۵۴۱۰۰۰	-
ربع	۲۹۰۰۰۰	-
گرمی	۲۰۰۰۰۰	+۱۰۰۰
گرم ۱۸ عیار	۱۰۵۲۰۰	+۲۰۰
اونس (دلار)	۱۲۷۸۰۱	+۲۶۶٫۸

ادامه در صفحه ۵